



مهدی امام‌رضایی

احوالنا

نَحْوُ الْبَادِ الصَّبَا مَخْصُوصَ أَقَارَادِهِ هَاسَتْ
گشته مملوُ مِنَ التَّفَنُّجِ الْغَالِقِلْ فَا لَنَا

با که گویم مِنْ فِرَاقِ المَرغِ، سُلْطَانُ الطَّبِیْرَا
نرخ ران و بالها بشکسته پَر و بالنا

لَا تُؤَفِّعُ دِیْگَرِ از الِگُوشْتِ، ماهی، تخمِ مرغ
مِنْ خِیَارِ و گُوجِهْ چُونِ شَدْ خَالِیْ یِخْجَانِ

شِیْخُنَا دَائِمَ یَقُولُ مِنْ فِتْوَحاتِ الْکَلِیدِ
فِی الْعَمَلِ اَمَّا زَدَه قُفْلِ عَلِیْ اَقْفَالِنا

اِجْعِلُوا اَمْوَالِکُمْ فِی الْبُورْسِ بِالْخُتِ الْخِیَالِ
گفت و با این حرف‌هایش می‌نمود اِغْفَالِنا

اِسْقَطْتُ الشَّاحِصَ وِ الْمُبُورَسَ خُونِیْنَ مَالِیْ
اَنْتَ خُودِ اَعْلَمُ چِه اَمِدِ بِرِ سِرِ اَمْوَالِنا

لَا فِیْطُ الْمَغْزُ وِ الْأَعْصَابُ قَاطِلِیْ پَاتِیْ
بَلْکِهْ اَیْانْدِیسِ وِ هِیْوِ فِیزِ وِ اَدْرانِنا

نِیتِ اَفْعَالُهُ بَاشْدِ یَقِینِنا رُشْدِنا
کُودِ می‌بَاشْدِ اِگَرِ بِرِ یَکْ یَکْ اَمالِنا

اِینِ بِلَا یِ هِستِ اِگَرِ کَفَّارَهْ تَقْصِیرِمان
نَحْنِ وَجِدانًا نَتُوبُ مِنْ هَمِهْ اَعْمالِنا

بُودِ هَذَا الْعَامُ مَمْلُوءٌ مِنَ الدُّوْشَواریْ
رَتْنا سَالَ دِگَرِ مَرْدانِهْ حَوَّلَ حَالِنا



سارا رمضانی

سختی‌ها

فقط با تو

سهل است تمام سختی ما با تو
خوب است هوا و وضع دریا با تو
امروز برایمان چه نامفهوم است
معنای صف و قحطی کالا، با تو



فریوخ زال

دوشواری‌های ریاست جمهوری

وقتی فردی رئیس‌جمهور می‌شود، یعنی با در نظر گرفتن تحریم و دشمنان و معاندان خارجی و عرق‌سوز و تهدیدات و بلایای طبیعی و سرما و گرمای هوا و خبرنگاران و خورش کرفس و نقادان، کاندیدا شده و وعده داده و رای آورده است، خدایی نکرده دست و پایش را که نیست‌ماند بیندازندش در پاستور و اسلحه گذاشته باشند کنار شقیقه‌اش و مجبورش کرده باشند که رئیس‌جمهور بشود. خیر! حال که جناب آقای روحانی رئیس‌جمهور مردمی و محبوب ما منت گذاشته‌اند و از سختی‌ها گفته‌اند لازم است بعضی سختی‌هایی که جناب‌شان فکرش را نمی‌کردند و بعد از ریاست جمهوری با آن مواجه شدند را برشمریم:

یک: به پشت کنکوری‌ها می‌گویند سختی‌اش همین چند ماه است و بعد که قبول شدیدی بروید دنبال سوراخ‌سمیه‌های دانشگاه و نمی‌خواهد درس بخوانید. رئیس‌جمهور روحانی هم گول خورده بود و نمیدانست بعد از انتخابات شب مصیبت عظمی دارد. حتی روزش را هم دارد.

دو: آقای روحانی حتی بعضی وقت‌ها جمع‌ها را هم سر کار می‌روند.

سه: آنقدر وکیل و وزیر تلفن می‌کنند و سرشان را می‌اندازند زیر می‌آیند توی دفتر که همیشه ناهار بخ می‌کند و از دهان می‌افتد.

چهار: زبان سرخ‌های پنج: مردم به همه چیز آدم کار دارند و حتی تا شماره رنگ ریش آدم هم می‌روند. شیش: تازه طلبکار هم هستند.



امین شفیعی

کش‌دلار

سلام بر تو جناب دلار بالا کش!
جناب نرخ همه چیز تا ثریا کش!
چقدر خوب که گفتی دلار کار من است!
چه خوب شد که نیامد درام حاشا کش
سقوط شاخص کل آنقدر کش آمده است
که آمده شکم عده‌ای ز پهنا کش
شبانه سوخت گران شد و خودروها خوابید
بگو که ما چه بریزیم داخل پاکش؟
چقدر دولت‌نات «دست توی جیب کن» است!
چقدر می‌رود از جیب ملت ما کش
حقوق ما به پلاسنج می‌شود تنظیم!
نجوم ما به باسکول خرما کش!

دریغ و درد که قاچاق و رانت ارز و فساد
به چشم هم زدن می‌برد به یغما کش...
...ور مرا که به دست شما کلیدش بود
کلید دیو کشی که شده هیولا کش!
اگر چه درد دل من زیادا وقت کم است!
کشش نمی‌دهم این شعر را دگر با «کش»
دلم گرفته چو یک کارگر که می‌خواهد
زند به چشم پر از حرص کارفرما، کش

آنچنان...

مرغ رفت از سفره ما با شتاب
تا نگردد بر سر سیخی کباب
آنچنان در رفت با تندی که من
فکر کردم تیر، در رفت از خشاپ

زهرامحبی

شعار من نجات اقتصاد ایران است.
گریه نکنید، چرا خودتان را می‌زنید؟! اگر بگویم توجه ویژه به مسکن و نجات کشور از بیکاری و گرانی نیز از وعده‌های وی بوده حتما می‌خواهید سکنه کنید. نگاه ویژه و دقیق دولت تدبیر به اقتصاد واقعا کم‌رشدن بوده است. باور ندارید کمی کم‌رسان را جابه‌جا کنید تا یادتان بیاید. یعنی آنچنان کشور را نجات داده که دولت بعدی باید یکی دو سال از خدمتش را پا روی پا انداخته و فقط به جمع کردن این نجات‌ها بپردازد.

شرایط برای ادامه متن فراهم نیست، همین‌جا تمامش می‌کنم چرا که می‌ترسم با شنیدن گشایش‌های برجای، قالب تهی کنید.



داوود افرازی



فیروز کوهبانی

#روحانی

وعده‌های پفکی

حتما تا به حال به این نکته پی برده‌اید که رئیس‌جمهور محترم بسیار سریع‌العمل بوده و هنوز جمله در نوک زبانش جاری نشده، عینش را در کشور پیاده کرده و ما را هم پیاده می‌کند.
با این که داغ دل تان تازه می‌شود اما برخی از این جمله‌ها را مرور می‌کنیم:

خیال تان از دلار راحت باشد
وحشت نکنید، فرار نکنید همین اول متنی، این یکی واقعا محقق شد. خیال ما که واقعا راحت شد. در حال حاضر بیش‌تر از قبل نمی‌توانیم با خیال راحت دلار بخریم. اینکه انسان با خیال راحت نتواند یا با خیال ناراحت نتواند مهم است دیگر.

آنچنان رونق اقتصادی ایجاد خواهیم کرد که کسی به پارانیه نیاز نخواهد داشت
چمدان بستی کجا می‌روی، ترس این‌ها دیگر اعمال شده و دوباره خواندنش درد ندارد.
در کدام دولت شما دیدید که روغن سه کاره تولید شود جز دولت تدبیر. هم روغن سه‌کاره تولید شود هم بقیه روغن‌ها سریع‌ا محو شوند. این حد از تلاش فقط از یک ریل‌گذار برای دولت بعدی بر می‌آید. و واقعا دیگر کسی نیست که بتواند به پارانیش نیاز داشته باشد، من که کسی را نمی‌بینم. اصلا به کارش نمی‌آید.

حسن روحانی



رئیس‌جمهور

با وجود همه سختی‌ها، در کشور قحطی و صف طولانی کالا وجود ندارد

#وجود ندارد

فرزانه صنیعی

یک بحث پیچیده فلسفی

مبحث «وجود» از جمله مباحث پیچیده فلسفی است. لذا توصیه می‌شود افرادی که از سواد کافی و شناسنامه معتبر برخوردار نیستند، ادامه این مطلب را نخوانند.

متأسفانه امروز بسیاری از مردم وجود را مقدم بر ماهیت می‌دانند در حالی که برعکس است. چطور می‌توانیم بگوییم صف طولانی وجود دارد در حالی که ماهیت صف طولانی برای ما روشن نیست؟ اصلا طولانی بر اساس استانداردهای جهانی یعنی چند متر؟ آیا به هر اجتماع انسانی سلسله‌وار به گونه‌ای که هر کس به صورت هدفمند پشت سر دیگری ایستاده باشد صف می‌گویند؟ اگر نشسته باشد چطور؟ بدون روشن شدن این تعاریف، پی بردن به ماهیت صف طولانی ممکن نیست فلذا وجود آن نیز اثبات نمی‌شود.

در واقع علاوه بر قحطی و صف طولانی، همان سختی‌ها هم وجود ندارند. منتها چون مردم از دانش فلسفی لازم برای درک این مسأله بی‌بهره‌اند آن یک قلم را رئیس‌جمهور بهشان تخفیف داد. فی‌الواقع آنچه مردم به عنوان افزایش چندبرابری قیمت‌ها و عدم ثبات بازار احساس می‌کنند، تنها یک سری خطای شناختی است که بر اثر مغالطات رسانه‌ها به وجود آمده و با تدبیر دولت، به لحاظ فلسفی، وجود هر گونه کمبود، صف، سونامی و آتشفشان وزووی ایتالیا در کشور نفی می‌شود.

#کالا

صنم یابوری

کالا و ما ادراک ما کالا

متأسفانه مدت‌هاست شاهد این هستیم که عده‌ای بی‌سواد و بیکار که از جایی خاص تغذیه می‌شوند نسبت به سخنان مسؤولان محترم درباره نبودن صف‌های طولانی کالا واکنش نامعقول نشان داده‌اند که نیازمند جواب دندان‌شکن می‌باشند.

این مورد را هر بشری می‌داند که انسان به دو نوع کالا نیاز دارد: کالاهای اساسی و کالاهای غیر ضروری که اصلا نمی‌شود نام‌شان را کالا گذاشت.

کالاهای اساسی عبارتند از: دسته بیل، کاسه توالت، کود حیوانی، کود مخلوط، نخ دندان، شیر قرمز توالت

و هر آن چیزی که بشود با ارز ۴۲۰۰ وارد کرد.

اما کالاهای غیر اساسی و آنهایی که ما الکی شلوغش کرده‌ایم و نام کالا را روی‌شان گذاشته‌ایم عبارتند از: مرغ، گوشت، برنج، بنزین، تخم مرغ و هر آن چیزی که

چارشنبه

گفتی پس از هر مشکلی، هر بار شنبه
گفتی گشایش‌ها شود بسیار شنبه

گفتی که من از جمعه بیزارم رفیقان
بمب انرژی می‌شوم انگار شنبه

گفتی گرانی می‌شود از شنبه ناپود
گفتی که آسان می‌شود دشوار شنبه

گفتند شیخا مشکلی در مملکت هست
گفتید حل مشکل و دیدار شنبه

گفتند خیلی واجب است این کار دریاب
گفتی که با پیژامه‌ام، شلوار، شنبه

گفتی که هر کس خواب بوده روز جمعه
بیرون می‌آید بعد خواب از غار شنبه

جمعه از اول بوده بهر استراحت
باید که شد مشغول در هر کار شنبه

گفتند دشمن کرده پررویی دوباره
گفتی به دشمن می‌دهم هشدار شنبه

گفتی اگر سید به جای تو بیاید
در هر خیابان می‌کشد دیوار شنبه

گفتند آن آخر صدا کم بوده، از کی؟
گفتی که حالا می‌کنم تکرار: شنبه

مانند بابای منی پنجاه سال است
فرموده ترک معضل سیگار، شنبه

این آخرکاری بیا کاری نکو کن
برجام را آتش برز این چارشنبه



نارین اسگارزاده



احمد رمضی

